



وصول به حق تنها از طریق انسان ممکن است

استاد فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه وصول به حق تنها از طریق انسان ممکن است، گفت: انسان از طریق آگاهی، به خود آگاهی می‌رسد و از این طریق عوالم هستی را درک می‌کند. به بیان دیگر، «خودآگاهی» شرط رسیدن به معرفت است.

استاد فلسفه دانشگاه تهران با بیان اینکه وصول به حق تنها از طریق انسان ممکن است، گفت: انسان از طریق آگاهی، به خود آگاهی می‌رسد و از این طریق عوالم هستی را درک می‌کند. به بیان دیگر، «خودآگاهی» شرط رسیدن به معرفت است. غلامحسین ابراهیمی دینانی در گفت‌وگو با خبرنگار آئین و اندیشه فارس، با اشاره به برخی کلمات قصار باباطاهر همدانی گفت: باباطاهر علم را مقام مفهوم و استدلال، و معرفت را شهود می‌داند. ما در علم از صغری و کبری و قیاس به نتیجه می‌رسیم. باباطاهر این فرایند را علم می‌داند، اما می‌گوید گاهی اوقات بدون استفاده از مقدمه می‌توان به معرفت رسید. وی با اشاره به یکی از سه خاصیت مهم علم ادامه داد: یکی از مهم‌ترین خواص علم و آگاهی در انسان که او را به مقام معرفت می‌رساند، این است که در آگاهی، نوعی از «خودآگاهی» نهفته است. یعنی انسان در هر مرحله‌ای به چیزی علم دارد و در متن علم به غیر، علم به خود نیز نهفته است. نویسنده کتاب «فلسوفان یهودی و یک مسأله بزرگ» با تأکید بر اینکه اخیراً یکی از فیلسوفان غربی نیز به این نتیجه رسیده است، اظهار کرد: این فیلسوف غربی، اصل و مبنای این موضوع را از ابن‌سینا و شیخ اشراق دریافت کرده که همان علم حضوری است. این موضوع را در زبان عربی «وعی» می‌نامند. تفاوت انسان با حیوان نیز در همین خودآگاهی است. یعنی انسان می‌داند که او در حال دانستن است. این استاد دانشگاه با اشاره به سخن دکارت که می‌گوید: «می‌اندیشم، پس هستم» گفت: اشکال این سخن دکارت در این است که که به جمله خود قید می‌زند و بودن را مبتنی بر اندیشه می‌داند. در صورتی که اندیشیدن، عین بودن است.

* فاصله گرفتن انسان از خود، اساس معرفت است

ابراهیمی دینانی در بخش دیگری از این گفت‌وگو با اشاره به نظرات عین‌القضات همدانی در خصوص مسأله اشتداد و تکامل گفت: «علم به خود» علم حضوری است و صورت ندارد، اما «علم به غیب» دارای صورت است و این صورت می‌تواند خیالی، وهمی یا عقلی باشد. وی با بیان اینکه «علم به خود» صورت ندارد، چرا که اگر این علم، صورت داشته باشد، تسلسل به وجود می‌آید، ادامه داد: حضور نیز می‌تواند اشتداد داشته باشد و میزان آن، شدت و ضعف دارد. اشتداد در مورد خداوند - که قادر مطلق است - معنا ندارد، چرا که مطلق نهایت است و مفهوم مطلق‌تر نداریم. بنابراین، اگر پایانی برای اشتداد در مورد خداوند متصور نشویم، باز هم دچار تسلسل می‌شویم. نویسنده کتاب «دفت‌ر عقل و آیت عشق» ابراز کرد: انسان می‌تواند از خود فاصله بگیرد، یا به خود نزدیک شود، اما حیوان این توانایی را ندارد. انسان تنها موجودی است که می‌تواند از خود فاصله بگیرد و این بدان معنا نیست که روح او از تن وی جدا شود. وی افزود: انسان می‌تواند خود را جدای از خود فرض کند و خود را ببیند. نفس ناطقه انسان می‌تواند خود را به عنوان موجودی مورد توجه قرار دهد. توجه‌کننده با چیزی که مورد توجه قرار می‌گیرد، دو مقوله مختلف است و انسان هنگامی می‌تواند به خود توجه کند که از خود فاصله بگیرد و این موضوع اساس معرفت است. ابراهیمی دینانی در مورد دلایل منجر شدن خودآگاهی به کمال گفت: انسان هنگامی که بتواند خود را ببیند، داشته‌های خود را نیز می‌داند، بنابر این می‌داند که چه چیزهایی را می‌داند و می‌داند که چه چیزهایی را نمی‌داند. بنابر این مراتب علم خود و جهل خود را می‌یابد و چون درصد برطرف کردن این جهل است، در مسیر تکامل گام می‌گذارد. وی با اشاره به بیت مشهور «آن کس که نداند که نداند / در جهل مرکب ابدالدهر بماند» ادامه داد: انسان هنگامی که جهل خود را نداند، در جهل خود نیز می‌ماند.

* علم حضوری در غرب، ریشه در اندیشه ابن‌سینا و شیخ اشراق دارد

ابراهیمی دینانی در بخش پایانی این گفت‌وگو با اشاره به تعریف «دکارت» از علم حضوری گفت: این تعریف، نشان از عدم درک علم حضوری توسط وی دارد. در میان فلاسفه غربی، علم حضوری گاهی در تفکرات «کانت» دیده می‌شود و حتی در دزاین هایدگر نیز گاهی این موضوع مشاهده می‌شود. بنابر این منشأ علم حضوری در میان غرب را نیز باید در فلسفه اسلامی شرق جستجو کرد. وی ادامه داد: ابن‌سینا علم را «حقیقت ذات اضافه» می‌داند که هوسرل همین کلمه را در Intentional به کار می‌برد. استاد فلسفه دانشگاه تهران، عالم و انسان را توأمان با هم دانست و گفت: انسان بدون عالم، قابل تصور نیست و همچنین عالمی که اندیشه‌ای در واری آن نباشد و مورد تعلق علمی قرار گیرد، نیز پیریشانی است. البته منظور از انسان نیز انسان جسمانی نیست. نویسنده کتاب «فلسفه و ساحت سخن» اظهار کرد: اگر انسان از طریق آگاهی خود، خودآگاهی را دریابد، تمام عوالم

هستی را درک می‌کند و مصداق «أعرفکم بنفسه، اعرفکم برّبه« قرار می‌گیرد.
ابراهیمی دینانی تصریح کرد: بسیاری از عرفا، انسان را «باب‌الابواب« می‌دانند، یعنی وصول به حق ممکن نیست مگر
از طریق انسان. بنابراین آیه «وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ« یعنی «خودآگاهی« شرط رسیدن به معرفت
است.